امتیاز

دوشنبه ۱ دی ۱۳۹۹
۶ جمادی‌الاولی ۱۴۴۲ ● ۲۱ دسامبر ۲۰۲۰
شماره ۳۱۱۱ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

نوجوانانی که رویای فوتبالیست شدن در سر دارند

مهدی گنجی کارگردان مستند «رویاهای خالکوبی شده» که در چهاردهمین جشنواره «سینماحقیقت» حضور دارد درباره این مستند گفت: این فیلم درباره چند کاراکتر فوتبالیست نوجوان از چند جای مختلف ایران است که می‌خواهند در کمپ فوتبال شرکت کنند و آرزو دارند ستاره فوتبال شوند به همین دلیل به اسپانیا می‌روند تا به این خواسته برسند در کنار این موضوع خانواده‌های این بچه‌ها فکر می‌کنند ستاره شدن آنها می‌تواند خیلی از مشکلات‌شان را برطرف کند.وی عنوان کرد: سوژه این مستند ۷۱ دقیقه‌ای را تهیه‌کننده «رویاهای خالکوبی شده» پیشنهاد کرد البته در حقیقت بانیان این اثر می‌خواستند فیلمی از کمپ فوتبال بسازند. این کمپ با مشارکت لیگ فوتبال اسپانیا و یکی از اپراتورهای تلفن همراه در ایران برگزار می‌شد و به من پیشنهاد شد فیلم مستندی درباره این موضوع بسازم من هم به مرور زمان سعی کردم تمرکزم را از روی فیلم موضوع‌محور بردارم و آن را به یک فیلم کاراکترمحور تبدیل کنم به همین ترتیب روی پنج کاراکتر فوکوس کردم که بیشتر زندگی آنها را در فیلم می‌بینیم در حقیقت فوتبال زمینه اولیه و به عبارتی پس زمینه‌ای است که ما زندگی این کاراکترها را در «رویاهای خالکوبی شده» می‌بینیم.

گنجی با بیان اینکه ساخت این فیلم حدود یک سال و نیم طول کشید، اظهار کرد: «رویاهای خالکوبی شده» در چهار استان ایران فیلمبرداری شده و به لحاظ بوم شناسی جغرافیای زیادی در آن دیده می‌شود ضمن اینکه بخش‌هایی از آن در کشور اسپانیا فیلمبرداری شده است. این مستندساز با اشاره به نحوه برگزاری جشنواره فیلم «سینماحقیقت» توضیح داد: فیلم مستند یا هر فیلمی سینمایی باید در سینما دیده شود از همین رو من استقبالی از نمایش آنلاین نکردم، سالن سینما، خرید بلیت و تماشای فیلم آدابی دارد که به نظرم روی فیلم تأثیر می‌گذارد جدای از این، شنیدن صدای خوب و دیدن تصویر بزرگ روی پرده بزرگ تأثیرگذاری متفاوت‌تری از تماشای آن در لپ‌تاپ یا ... دارد از همین رو اصلاً با نمایش اینترنتی موافق نیستم ولی چاره‌ای نیست، فیلم باید به حیات خود ادامه بدهد، ضمن اینکه از آنجایی که هر فیلمی زمان نمایش به خصوصی دارد نمی‌شود فیلم را برای بلندمدت نگه داشت. با توجه به اینکه در برهه کنونی چندان مشخص نیست که چه زمانی شرایط بهبود پیدا کند ممکن است سال آینده هم همین وضعیت را داشته باشیم به همین دلیل تصمیم گرفتیم فیلم را به جشنواره بدهیم. وی درباره تأثیرگذاری شرایط کرونایی گفت: بیشتر مراحل پس تولید «رویاهای خالکوبی شده» در شرایط کرونایی انجام شد به نحوی که دست و پای ما را بسته بود و نمی‌توانستیم با گروه ارتباط داشته باشیم به همین دلیل بخشی از کارها را به صورت مجازی پیش می‌بردیم ولی تمام تلاشمان را کردیم تا کار خوبی از آب دربیاید. سایر عوامل فیلم «رویاهای خالکوبی شده» عبارتند از نویسنده و کارگردان: مهدی گنجی، تهیه کننده: بهزاد توکلی، مدیر تصویربرداری: محمد حدادی، تدوین: امیر ادیب پرور، مدیرصدابرداری: حسن شبانکاره، صدابردار دوم بخش ایران: احمد صابری، صداگذار: حسین قورچیان - آهنگساز: افشین عزیزی - دستیار کارگردان و پژوهشگر: موحد تاری مرادی، تصویربرداران: مازیار کوپیدار، مهداد هوشیاری، مرتضی درویش خانی، فرشید فرجی، رنگ آمیزی تصاویر: حمیدرضا فتوره چیان، برنا جمشیدی، مدیر تولید: حمیدرضا میر محمدی، دستیار تدوین گر: محمد فرهپور، دستیار آهنگساز: آرش عزیزی، تدوین صدا: مهیار سلیمی، عکاس: عباس کوثری، موحد تاری مرادی، طراحی پوستر: علی باقری، تدارکات تهران: سجاد نصرتی، تدارکات بلوچستان: حامد سلامی، تصاویر هوایی: امین جامه، ترجمه زیرنویس انگلیسی: صنم کلانتری، زیرنویس انگلیسی: پوریا صدر، ترجمه اسپانیایی: محمد استادولی، مرتضی علیشاهی، ترجمه بلوچی: بهنام قدوسی، ترجمه ترکی: بابک کلانتری، سرمایه گذار: شرکت ایرانسل

از آلمان تا یونان، لندن و تهران برای هنر کرونا زده چه کردند؟

ایران از دنیا بیرون است؟

حسین هاشم پور

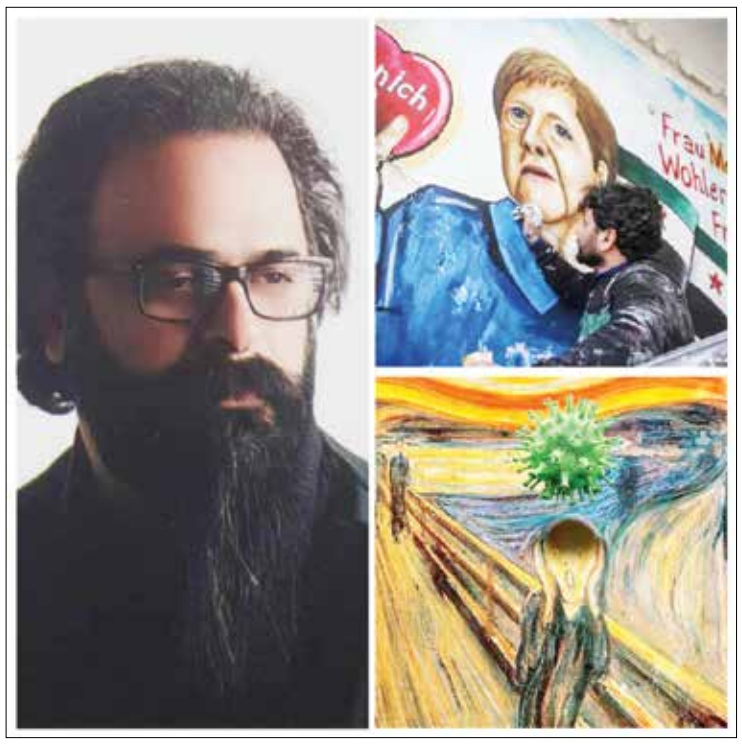

در روزهایی که کشورهای مختلف واکسن کرونای رایگان برای مردم شان تدارک دیده اند، اینجا، ایران، مردم در پایان پاییز همچنان چشم به راه واکسن آنفولانزا هستند؛ در چنین تبعیض آشکاری یاد این سروده حضرت هوشنگ ابتهاج ،»سایه» شان مستدام افتادم: « من در این گوشه که از دنیا بیرون است؛ آسمانی، به سَرم نیست... از بهاران، خبرم نیست...»

این بدون شک زبان حال مردم ایران و البته هنر امروز و هنرمندان نازنین است. همان روزگار مباداست که ملت چشمش به دولت است تا در بحرانی ترین روزهایی که انسان به چشمش دیده راه تنفسی، مسیر نجاتی بگشاید. اما از هنر و هنرمند ایرانی حتی گفتار درمانی که گاهی مسئولین بدان شهرت داشتند دریغ شده است چه رسد به حمایت عملی و ملموس.

در روزهای کرونایی، اهالی تئاتر منجسم تر از دیگران صدای اعتراض شان را رسانه ای کردند و با همراهی خانه تئاتر از بیانیه تا جمع آوری امضا و سلسله مصاحبه های اعتراضی کم نگذاشتند اما دستاوردی در جهت بهبود اوضاع نصیب شان نشد و با تعطیلی دستکم دو تماشاخانه خصوصی معلوم شد دومینوی تحدید فضای هنر ایران به دلایل مختلف، به خصوص ورشکستگی اقتصادی، به شکل جدی در پیش است.

هنرمندان موسیقی ، تجسمی و سینما ... نیز رنگی به رخسار ندارند و تک مصاحبه های اعتراضی شان از وخامت حال آنان خبر می دهد. برای موسیقی و سینما فضای کار کاملا مسدود است و برای هنرمندان تجسمی با افزایش باورنکردنی قیمت مواد اولیه خلق آثار هنری، خلق اثر ناممکن شده است!

بله، هنر در سراسر دنیا نزار و نالان است، اما به دو دلیل هنرمند ایرانی زیر فشار کرونایی کمر خم کرده است:

نخست اینکه دستمزدهای هنری در ایران بسیار پایین است و طیف گسترده ای از جامعه هنری مانند روزمزدها اگر پروژه ای نباشد، درآمدی ندارند.

به عنوان مثال اگر برادوی، قطب اقتصادی هنر نمایش نیویورک اعلام می کند همه ۴۱ سالن خود را حداقل تا ۳۰ می ۲۰۲۱ تعطیل می کند، اکثریت عوامل نمایش آن، علاوه بر کمک هزینه های متداول، آنقدر پس انداز دارند که این دوره گذرا را گذران کنند.

دوم اینکه به روایت هایی که در ادامه این مطلب خواهید خواند جامعه هنری کشورهای صاحب هنر، از حمایت های هدفمند و پردامنه دولت ها بهره مند هستند و این در حالی ست که هنرمندان ایرانی هنوز هنرشان به عنوان شغل به رسمیت شناخته نمی شود و به طبع نه از مزایای تسهیلات ایام بیکاری برخوردارند نه بیمه درست و درمانی دارند.

مرور نمونه هایی از حمایت های دیگر کشورها از هنرمندان در زمانه کرونا هر چند که می تواند داغ دل من و شما را تازه کند اما برای یادآوری عمق فاجعه ای که با هم به آن دچاریم گریزی نیست:

انگلا مرکل صدراعظم آلمان دهم می ۲۰۲۰ در یک پیام ویدیویی در خطابی مستقیم به جامعه فرهنگ و هنر گفته است که حکومتش برای عبور هنرمندان و فعالان فرهنگی از روزهای کرونایی «پل عبور» ایجاد می کند.

به نوشته دویچه وله ، خانم صدر اعظم اطمینان خاطر داد در وضعیت دشوار کنونی حکومت آلمان می خواهد برای زنان و مردان هنرمند، زمینه ای فراهم کند تا بتوانند کرایه مکان هایی که برای فعالیت های هنری اجاره کرده اند، پرداخت شود و نیز به دلیل لغو برنامه های هنری و نداشتن درآمد کافی از آنان حمایت مالی مستقیم انجام شود.

مرکل به هنرمندان گفت: « می دانم اکنون زمان خیلی خیلی دشواری برای شماست. شهروندان ما منتظرند باز هم از برنامه های زنده شما لذت ببرند اما تا آن روز، حکومت در هر قسمتی که نیاز باشد، شما را در این برنامه های امدادی حمایت می کند، و ما با این حمایت ها نشان می دهیم که شما چقدر برای ما اهمیت دارید.»

احتمالا شما هم با من هم داستان هستید که گفته های خانم صدراعظم مثل سواری کردن روی ابرهاست و اگر یک آه حسرت عمیق بکشیم جای دوری نمی رود!

اما اجازه دهید شما را به یک لبخند تلخ هم دعوت کنم:

دو سه ماه پیش، بی بی سی خبر داده بود در اجرای طرح دولت بریتانیا برای حمایت از رستوران‌ها، کافه‌ها و بارها و تشویق مردم به رفتن به رستوران، تخفیف ۵۰ درصدی به مشتریان در روزهای دوشنبه تا چهارشنبه داده می‌شود.

این تخفیف تا ۱۰ پوند (به پول امروز ما حدود ۳۴۰ هزار تومان) بابت هر نفر می شد و البته شامل هزینه مشروبات الکلی نبود.

منتقدان این طرح می گفتند که غذاهای ناسالم و فست فود نباید شامل این تخفیف شود چون ممکن است که باعث ترویج بیشتر چاقی شود. اما دولت بریتانیا گفته بود «برای جلوگیری از چاقی مردم طرح های دیگری دارد و این طرح تشویقی کافه نشینی را اجرایی کرده است!»

اینجا هم با شما موافقم که گویا یک جاهایی در دنیا اهل فرهنگ و هنر را لوس بار می آورند! و لابد مسئولین ایرانی می دانند ما این میزان خوشی را تاب نمی آوریم !!

کمی آن طرف تر از لندن، شورای شهر لیورپول اعلام کرده بود برای حمایت از هنرمندان خلاقی که ویروس کرونا بیش از سایر اقشار به اجرای هنرشان آسیب زده، ۲۰۰ هزار دلار کمک مالی اختصاص داده است. این شورا به حدود پنجاه نهاد فرهنگی و هنرمندان مستقل مبلغی پیشنهاد داده تا آثار هنری خود را برای ارائه به شهروندان به خیابان‌های مرکزی این شهر بیاورند به این امید که دوباره مردم عطر زندگی را استشمام کنند و به لطف نشستن در فضای بیرونی رستوران‌ها و کافه‌ها، هنر حال شان را بهبود بخشد.

در راستای این پروژه دهها اجرای موسیقی زنده، اجرای تئاتر، نورپردازی، دیوارنماها، نمایشگاه عکاسی و تئاتر خیابانی تدارک دیده شد.

همچنین شورای شهر لیورپول در گام بعدی تصمیم گرفت با محدودیت گالری های هنری ، هنرهای تجسمی را طی هفته‌ها در سراسر شهر به نمایش بگذارد؛ آنها این اتفاق را بدون تبلیغات قبلی اجرا کردند تا شهروندان شگفت زده شوند.

وندی سایمون، شهردار لیورپول که همزمان توسعه گردشگری در این بندر را نیز بر عهده دارد، معتقد است حمایت از این هنرمندان و آثارشان می‌تواند در پاندمی جهانی ویروس کرونا راهگشا باشد. او گفت: « باید هر چقدر می‌توانیم به هنرمندان آزاد و نهادهای هنری کمک کرده و آن‌ها را حمایت کنیم زیرا می‌توانند کمکی در این پاندمی جهانی باشند. باید از ایده‌های جدید استفاده کنیم و بیندیشیم که چگونه می‌توان خیابان را به صحنه‌ای برای عرضه آثار هنرمندان و بهتر شدن حال مردم تبدیل کرد.»

شاید تصور کنید این کمک ها مختص کشورهای توسعه یافته است اما پارگراف زیر به رویکرد یونان اختصاص دارد که در سال های اخیر یک اقتصاد ورشکسته را یدک می کشد:

بر اساس گزارش روزنامه کاتی، که خبرگزاری مهر آن را منتشر کرده، مرینی وزیر فرهنگ یونان به اعتراض اهالی فرهنگ و صنوف هنری نسبت به حمایت‌های دولت از این قشر پس از شیوع ویروس کرونا واکنش نشان داد و گفت: «در حوزه موسیقی به یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از هنرمندان به ازای هر نفر ۲۰۰۰ یورو کمک نقدی پرداخت کردیم و برنامه ریزی جامعی انجام دادیم تا برنامه‌های موسیقی در شهرهای کوچک و حومه نیز برگزار شود. تقریباً تمام برنامه‌های موسیقی در این مناطق در تابستان برگزار شدند، این در حالی است که در کشورهای اتحادیه اروپا تقریباً تمامی سالن‌های هنری تعطیل شده و در طول تابستان در جمع کشورهای اروپایی فقط ۲۰ تا ۳۰ درصد فعالیت‌های هنری و آن هم در فضای باز، برگزار شد.»

خانم وزیر فرهنگ تاکید کرد: « همیشه دولت به هنرمندان و کارکنان هنری توجه ویژه‌ای دارد زیرا سینما، هنرهای نمایشی و دیگر گونه‌های هنری مایه نشاط جامعه است و این چیزی است که در زمان شیوع ویروس کرونا بیش از هر زمان دیگر بدان نیازمندیم. با برنامه‌ریزی‌هایی که به عمل آمد و با وجود شیوع ویروس کرونا در تابستان امسال تعداد ۲۷۰ نمایش در ۴۳ منطقه در سراسر کشور داشتیم و فقط تعداد اندکی از برنامه‌ها به علت مکان نامناسب و برای حفظ سلامت شهروندان لغو شدند.»

او افزود : « در ماه مارس که دستور تعطیلی سراسری صادر شد، ۴۳ هزار نفر از حقوق بگیران و تعداد ۱۴ هزار و ۳۰۰ شرکت خصوصی که در حوزه هنری فعالیت دارند، زیر پوشش کمک‌های دولتی قرار گرفتند. در این خصوص بیش از ۳۵ میلیون یورو کمک نقدی پرداخت شد. همچنین مالیات‌هایی را که می‌بایست هنرمندان و شرکت‌های هنری پرداخت می‌کردند، کاهش دادیم. علاوه بر آن با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی، توانستیم حمایت‌های ویژه‌ای از بعضی از کارکنان حوزه هنری را که در شرایط خاصی و با مشکلاتی بیشتری روبرو بودند، داشته باشیم. این دسته از افراد را در گروه ویژه‌ای گنجاندیم و بدین ترتیب مبلغ ۲۵ میلیون یوروی دیگر از این طریق به حوزه هنر و دست اندرکاران حوزه هنری پرداخت کردیم.»

چند وقت پیش، لابد این خبر حیرت انگیز را هم شنیدین:» کتاب در سوییس و بلژیک کالای اساسی شد» ؛ در حالی که تیراژ کتاب در ایران به ۲۰۰ تا ۳۰۰ نسخه سقوط کرده، یک جاهایی در دنیا ارتقای فرهنگ مطالعه مانند نان شب برای شان اهمیت دارد:

فیگارو خبر داد کشورهای سوییس و بلژیک اعلام کردند کتاب را کالای مورد نیاز مردم در این روزهای کرونا زده بر می شمرند و از این رو کتابفروشی ها از معدود مغازه هایی هستند که می توانند به فعالیت خود ادامه دهند.

معاون نخست‌وزیر بلژیک در این باره گفته است: « معتقدیم که توجه به سلامت روان تمام مردم بلژیک بسیار حائز اهمیت است.»

در ژنو، پایتخت سوییس از روز دوم نوامبر تمامی رستوران‌ها و کسب و کارهای غیرضروری تعطیل بودند اما کتابفروشی ها به عنوان ارایه‌دهنده کالاهای اساسی مجوز فعالیت داشتند.

حتمن شما هم از انواع کمک های بزرگ و کوچک دیگر کشورها از گروههای هنری در این یک سال سیاه خبرهایی دارید، در ایران هم کیست که از بی توجهی دولت به وضعیت معیشتی هنرمندان بی خبر باشد، رسانه ها از کمک ۱۶۰ هزار تومانی به ۷۵ هزار نفر و وام های یک میلیون تومانی خبر داده اند که بیش از آنکه بوی کمک دهد، مهر تاییدی است بر عمق نداری و تنگدستی هنرمندان و سفره های بسیار بسیار کوچک شده آنان.

گویا برای اینکه هنر و هنرمند در کشور خودمان هم عزیز و دردانه شود و بر صدر نشیند باید اندیشه و کاری کرد. به نظر می رسد اگر روندی که این سال ها رفته ایم را ادامه دهیم نه هنری می ماند نه هنرمندی. سهم شش دهم درصدی هنر از بودجه کشور یک نشانه آشکار است.

بالاخره زور ما به کرونا رسید

هفدهمین جشنواره تئاتر مقاومت آخرین روزهای خود را سپری می‌کند اما آنچه در این میان اهمیت دارد، ارزیابی این جشنواره از نگاه گروه‌های شرکت‌کننده است، چراکه در ماه‌های آینده جشنواره‌های فجر و نمایش عروسکی را در پیش داریم و تجربه جشنواره تئاتر مقاومت می‌تواند به برگزاریِ بهترِ این دو جشنواره کمک کند.

در همین زمینه سه تن از کارگردان‌های شرکت‌کننده در جشنواره تئاتر مقاومت در مورد این جشنواره نظرات خود را بیان کردند.

لیلی عاج که با نمایش «کجایی ابراهیم؟» در این جشنواره حضور دارد، با تقدیر از تلاش برگزار کنندگان این جشنواره ، بر لزوم یافتن راه‌هایی برای ارتقای زیبایی‌شناسی نمایش‌های شرکت‌کننده در این رویداد تاکید می‌کند.

نمایش «کجایی ابراهیم؟»

او می‌گوید: جشنواره تئاتر مقاومت از نظر کمی، بسیار موفقیت‌آمیز است؛ برگزاری این جشنواره در بخش‌های متنوعی مانند کودک، خیابانی، پژوهش، نمایشنامه‌نویسی و ... جای قدردانی دارد. اما طبیعتا زنده نبودن آن سبب می‌شود که واکنش مستقیم مخاطبان را از دست بدهیم.

عاج از تعریف جایزه مردمی به عنوان یکی از چالش‌های این دوره از جشنواره یاد می‌کند و توضیح می‌دهد: تعریف این جایزه، فی‌نفسه خوب است ولی در ساز و کار اجرا با مشکلاتی رو به روست. در حال حاضر در سایت تیوال که سایت نمایش‌دهنده فیلم آثار جشنواره است، ستاره‌هایی برای نمره دادن به نمایش‌ها وجود دارد و از آنجاکه بازه زمانی رای دادن تا آخرین روز جشنواره است، این رای گیری با اشکالاتی همراه خواهد شد. چراکه در این شیوه ، گروه‌ها می‌توانند امتیازات کارهای دیگر را ارزیابی و حتی دست‌کاری کنند یا به خودشان امتیازات بالا بدهند. بنابراین بهتر بود فرصت رای گیری از ۱۲ ظهر تا ۱۲ شب محدود می‌شد تا ضریب اطمینان از صیانت آرا بالا برود.

این کارگردان که در اجرای نمایشش با تعدادی بازیگران جوان در کنار بازیگران با تجربه‌تر همکاری دارد، اضافه می‌کند: شور و اشتیاق آنان دلگرم کننده است چون بازیگران با تجربه‌تر در جشنواره‌های گوناگون حضور داشته‌اند و دیگر آن تب و تاب را ندارند ولی از طریق بازیگران جوان‌ترم در جریان رای گیری نمایش‌ها هستم و ظاهرا اتفاقاتی می‌افتد که سلامت رای‌گیری را خدشه‌دار می‌کند.

عاج که پیش از این همین نمایش را به مدت ۱۰ شب به صورت زنده اجرا کرده بود، می‌افزاید: یک ارزیابی نسبی از آرای تماشاگران دارم ولی متاسفانه بر اساس شیوه فعلیِ امتیاز دهی، افراد می‌توانند بدون دیدن نمایش، به آن امتیاز بدهند.

او تصریح می‌کند: هدف جایزه مردمی، کمک به دیده شدن نمایش‌هاست ولی باید برای رای گیری ساز و کار بهتری یافت تا از سلامت بیشتری برخوردار باشد. مثلا بین تعداد دفعاتی که فیلم یک نمایش دیده شده و آرایی که برای آن ثبت شده است، باید تناسبی وجود داشته باشد .

این کارگردان در عین حال خاطرنشان می‌کند: با این حال همین موضوع سبب شده شور و شوقی که همیشه در صف کشیدن برای دیدن نمایش‌های جشنواره وجود داشت، به فضای مجازی منتقل شود .

عاج با بیان اینکه این شیوه برگزاری برای اولین بار تجربه می‌شود، ادامه می‌دهد: هر اتفاق تازه‌ای، نقاط قوت و ضعف خود را دارد چراکه هنوز در مسیر تجربه‌ایم.

او با ابراز خوشنودی از استقبال گروه‌های تئاتر استان در این جشنواره می‌گوید: خیلی خوشحال کننده است که گروه‌ها در استان‌های مختلف به تکاپو افتاده‌اند و با وجود شرایط بسیار دشواری که همه با آن رو به رو هستیم، اقبال به جشنواره در استان‌ها خیلی امیدبخش است. همه اینها نشان می‌دهد علاقه به تئاتر وجود دارد و و زور ما به کرونا رسیده! هرچند از نظر معیشتی همگی در وضعیت سختی به سر می‌بریم.

عاج یکی دیگر از نکات مهم در برگزاری این شیوه جشنواره را توجه بیشتر به زیبایی‌شناسی نمایش‌ها می‌داند و توضیح می‌دهد: حالا که ناچار به این گونه برگزاری هستیم، باید برای کیفیت بصری کارها تدبیری بیندیشیم. پیش از جشنواره، نمایشم را با سه دوربین ضبط کرده بودم و زمانی که فیلم آن را دیدم، متوجه شدم نورپردازی آن مناسب فیلم تئاتر نیست بلکه مناسب ورود تماشاگران به سالن تئاتر است. بنابراین باید درباره مواردی مانند نورپردازی و دیگر امور زیبایی‌شناسی کارها، راه حل‌هایی پیدا کرد.

او که نمایشش در تالار سرو فیلمبرداری شده است، ادامه می‌دهد: بخشی از ماجرای ضبط نمایش‌ها به امکانات سالن‌ها برمی‌گردد و باید ببینم چه کاری انجام دهیم تا مخاطب لذت دیداری بیشتری ببرد.

عاج با بیان اینکه جشنواره تئاتر مقاومت سدشکنی کرده است، می‌گوید: در روزهایی که مدام در معرض اخبار نومیدکننده کرونایی هستیم، برگزاری این جشنواره شور و شوقی در گروه‌های شرکت کننده ایجاد کرده است و می‌توان از برگزاری آن برای جشنواره‌های دیگری که در پیش داریم، یعنی جشنواره‌های فجر و عروسکی الگوبرداری کرد .

او تاکید می‌کند: برگزاری جشنواره با همین شکل و شمایل خیلی بهتر از برگزار نشدن آن است چون شعفی که ایجاد می‌کند، بسیار ارزشمند و مهم است. لیلی عاج در پایان می‌گوید: امیدوارم کرونا از همه مردم و تئاتری‌ها به دور باشد و آنان بتوانند در این گونه رویدادها حضور داشته باشند و اتفاقاتی بهتر برایشان رخ بدهد.رضا بهرامی دیگر کارگردانی است که با نمایش «سگک» در این دوره از جشنواره حضور دارد.

او نیز با سپاسگزاری از برگزارکنندگان جشنواره تئاتر مقاومت می‌گوید: در روزهایی که کرونا همه امور زندگی را در سراسر جهان فلج کرده، برگزاری این جشنواره اتفاقی مثبت است که طبیعتا نقاط قوت و ضعف خود را دارد.

یک فنجان چای داغ

روایت سیف الله صمدیان از بُغض اکبر عالمی

سیف صمدیان، هنرمند عکاس و مستندساز که در بزرگداشت زنده یاد اکبر عالمی در جشنواره سینما حقیقت که بصورت آنلاین و همزمان با حضور محدودی از مهمانان برگزار می شد، سخنرانی کرد، در ابتدای سخنانش با اشاره به برنامه‌های نقد سینمای تلویزیونی اکبر عالمی، درباره لحظات سکوت استاد عالمی در برابر میهمانانش، گفت: اکبر عالمی برای هر برنامه خودشان را می‌ساختند و با کسب اطلاعات لازم، آمادگی کاملی برای بررسی هر فیلمی داشتند.

صمدیان خاطرنشان کرد: در عرصه فرهنگ و هنر ایران یکسری نام برای قشری خاص، ارزشمند هستند؛ مثلا کسی در سینما یا تدریس یا عکاسی و فیلمسازی شاخص است. اما کسانی هستند که برای تمام هنرها سمبل و شاخص‌اند مانند اکبر عالمی که همه شاخه‌های هنری افتخار می‌کنند که بخشی از حرکت‌شان با نام و حضور ایشان شناخته شود، مثلا ایشان عضو هیئت موسس انجمن عکاسان ایران است.

این هنرمند با اشاره به اینکه آشنایی‌اش با استاد اکبر عالمی به کیفور شدن از برنامه‌های تلویزیونی او و انتشار اولین شماره مجله تصویر در دهه ۷۰ برمی‌گردد، گفت: در این شماره گزارشی از اکبر عالمی منتشر شد و پنج سال پیش هم در تصویر برای او بزرگداشتی گرفتیم.

او ادامه داد: من اکبر عالمی را اینطور شناختم که ۷۵ سال از عمرش را لحظه به لحظه به اعتبار و احترام زندگی، به معنی واقعی زندگی کرد. چه در تحقیق و چه یاد دادن و یاد گرفتن و حتی در سکوت‌هایش. من چیزهایی که از او یاد گرفتم را به هر بهانه‌ای به فیلمسازان و عکاسان جوان می‌گویم؛ یکی اینکه اول خودتان را بشناسید و این باور در ذات‌تان باید قطعی شود که کسی نه می‌تواند جای شما را بگیرد و نه شما می‌توانید جای کسی را بگیرید.

صمدیان با اشاره به اینکه «بغض عالمی این بود که حسادت در تار و پود هنرمندان ما و آیین هنر بیداد می‌کند.» یکی از ویژگی‌های او را این دانست که از حسادت دوری می‌کرد. در همه چیز جدی بود، همه‌چیز را جدی می‌گرفت و در همه کارها حضوری صد در صدی داشت.

در این برنامه که بعدازظهر ۲۹ آذر ماه انجام شد، همچنین دبیر چهاردهمین جشنواره بین المللی «سینماحقیقت» با اشاره به تاثیری که استاد اکبر عالمی در تربیت نسلی از سینماگران داشته گفت: او خردمند، خوشرو و زلال مثل آب بود.

اجرای این مراسم را منصور ضابطیان به عهده داشت و حمیدی مقدم با اشاره به آمار قابل توجه تماشای فیلم‌های مستند این دوره جشنواره گفت: شکل آنلاین آهسته آهسته جا می‌افتد، آرام آرام شاهد افزایش بازدید به ویژه از سوی اهالی رسانه و متخصصان سینمای مستند در خانه جشنواره هستیم. اگر بخواهیم آمار بازدید روزانه در چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت را با دوره‌های قبل در سینما چهارسو مقایسه کنیم، می‌بینیم که روز گذشته ۷ هزار و ۷۰۰ بازدید ثبت شد در حالی که در دوره‌های قبل، میانگین مخاطب روزانه هزار و ۲۰۰ نفر بود.

دبیر چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت با بیان اینکه در چهار روز گذشته ۲۳ هزار بازدید از پلتفرم های جشنواره ثبت شده است، گفت: جشنواره سینماحقیقت از پرمخاطب‌ترین جشنواره‌های تخصصی سینماست، اما در این دوره تحولی در زمینه ارتباط با مخاطب ایجاد شده و مخاطبان را هفت برابر کرده است و از طرفی شاهد رضایت مخاطبان هستیم که اتفاق خوبی است.

حمیدی‌مقدم در ادامه با اشاره به ۱۰ اثر پرمخاطب روز چهارم جشنواره گفت: «رویاهای خالکوبی شده» به کارگردانی مهدی گنجی با ۱۱۷۳ صندلی، پرمخاطب‌ترین فیلم روز گذشته بود و پس از آن فیلم‌هاید «کودتای ۵۳» با ۹۳۴ تماشاگر، «کمی با من برقص» با ۷۷۸ مخاطب و... در این جدول قرار دارند.

او ادامه داد: مسترکلاس مهرداد اسکویی را دیروز ۳۰۰ هنرجو به طور زنده دنبال کردند. ۳۰۰ نفر در کارگاه بیل نیکولز و ۲۰۰ هنرجو در کارگاه مهدی گنجی حاضر شدند. هنرجویانی که بسیاری از آنها ساکن شهرستان هستند و برگزاری آنلاین جشنواره که به صورت رایگان است، اتفاق خوبی برای بسیاری از آنها بود.

حمیدی‌مقدم تصریح کرد: تلاش کردیم عدالت آموزشی برای همه و در همه جا برقرار شود که گمان می‌کنم با این اقدام، جشنواره توانسته تا حدودی به این هدف دست پیدا کند.

دبیر چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت همچنین با اشاره به نامگذاری روز پنجم جشنواره به نام زنده یاد استاد اکبر عالمی و برپایی مراسم نکوداشتی برای این مستندساز گفت: استاد محمدرضا اصلانی نام این روز را «زلال آب» انتخاب کرده است.

حمیدی‌مقدم با اشاره به اینکه «استاد عالمی حق زیادی بر گردن ما دارد.» گفت: من دست پرورده استاد عالمی در دانشکده سینما تئاتر دانشگاه هنر هستم و ایشان نقش موثری در تعیین نگاه دانشجویان هنر و در مرام و مسلک زندگی آنها داشت و خیلی‌ها از این مرام تاثیر گرفته‌اند.

او خاطرنشان کرد: با افتخار این روز را تقدیم به روح جاودان ایشان کردیم. مردی که بسیار خوش‌رو بود و توصیه‌اش همواره به خردورزی و پاکیزه صحبت کردن بود. نکات زیادی در کارم از او آموختم و متاسفم که به خاطر کرونا یکی از زلال‌ترین اهالی سینما و مستند را از دست دادیم.

در بخشی دیگر از برنامه، فیلم «خاطرات نگاتیو» به کارگردانی فرهاد ورهرام پخش شد.

دکتر امیرحسن ندایی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، میهمان بعدی این مراسم بود که درباره شخصیت استاد اکبر عالمی گفت: در روانشناسی مفهومی به نام هویت داریم. وقتی می‌خواستم برای تدریس به کلاس بروم، دنبال معلمی بودم که بتوانم از او الگوبرداری کنم. من از سال ۶۹ تا دوره دکترا دانشجوی عالمی بودم و ایشان الگوی مطلقی در زندگی من محسوب می‌شد. بعدها وقتی می‌خواستم اجرای تلویزیونی داشته باشم، برنامه‌های ایشان را نگاه می‌کردم و از همه لحظات آن می‌آموختم. از طرز نگاه کردن به مهمانان گرفته تا لحظه درست سکوتش.

ندایی خاطرنشان کرد: او فقط درس سینما نمی‌داد، آموزه‌های زیستی و جهان‌بینی‌اش را هم به دانشجویان می‌داد. وقتی نقد فیلم داشتیم خودش کلاس را ترک نمی‌کرد، فیلم را کامل با دانشجو می‌دید و بعد وارد بحث و گفتگو با ما می‌شد و این به ما جرات و جسارت حرف زدن می‌داد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس خاطرنشان کرد: اکبر عالمی در برنامه‌های هنر هفتم و آن روی سکه چیز جدیدی از سینما به ما آموخت. سینمای دیگری که ما اصلاً نمی‌دانستیم وجود دارد و کار او در شکل دادن سلیقه عمومی از سینما بسیار تأثیرگذار بود.

ندایی با اشاره به اینکه «عالمی از نخستین کسانی بود که مفهوم سواد رسانه‌ای را به ما آموزش داد» گفت: فیلم‌هایی که پخش کرد و تحلیل‌هایی که ارائه می‌داد بسیار شگفت‌انگیز بود و بعد از بیست سال جز به جز در ذهن من مانده است. گاهی باورم نمی‌شود این فیلم‌ها را از تلویزیون دیدیم. فیلم‌هایی که انتخاب خودش بود و در رفت و آمدی که به خارج از کشور داشت در سال‌هایی که از نظر منابع سینمایی، برهوت بود، دکتر عالمی این فیلم‌ها را به روز انتخاب می‌کرد و در کلاس درس یا در تلویزیون پخش می‌کرد.

او یادآور شد: فیلم «بدون دخترم هرگز» که فیلمی ضد ایرانی بود را توانست پخش کند و تحلیل فوق‌العاده روی آن ارائه کرد. دکتر عالمی همیشه می‌گفت در فیلم «۳۰۰» اگر ما نمونه‌های درست و به روز و دقیقی از تاریخ خودمان تصویرسازی می‌کردیم آن آدم به خودش جرات نمی‌داد، چنین فیلمی بسازد. دکتر عالمی می‌گفت وقتی به خودمان جرات دادیم درباره چیزی حرف بزنیم قبل از آن باید در آن حوزه به حدی برسیم که نشود زمان ایراد گرفت و بعد وارد صحبت شویم.

این مدرس دانشگاه با اشاره به آخرین دیدارش با استاد اکبر عالمی گفت: دو روز قبل از بستری شدن دکتر در بیمارستان ما ساعت‌ها باهم صحبت کردیم. موضوع درباره جلسه دفاع یکی از دانشجویان کارگردانی بود، که من، ایشان و آقایان فرهاد مهندس‌پور و محمدرضا خاکی هیئت داوری بودیم. هرگز از ذهنم بیرون نمی‌رود که این آخرین دیدارمان بود و من نمی‌دانستم. دکتر عالمی همیشه چیزی به ما می‌آموخت. در این جلسه هم من از این پایان‌نامه ایرادی گرفته بودم و ایشان به من گفت تو عنوان معلم در برابر این دانشجو داری، اگر مقابلش بایستی و اجازه رشد به او ندهی پس چه کسی به او اجازه رشد دهد؟

میهمان بعدی این مراسم نکوداشت، ابراهیم حقیقی بود، حقیقی گفت: چقدر بد و تلخ است که درباره دوستان‌مان پس از مرگ‌شان حرف بزنیم و از خاطرات‌شان بگوییم. چه سال بدی بود که عزیزانی را یکی یکی از دست دادیم. همه کسانی که سینمای ایران را ساختند و اکبر عالمی یکی از استثناهای سینمای ایران بود.

حقیقی با اشاره به ویژگی‌های دیگر عالمی گفت: فیلم‌هایی که برای پخش انتخاب می‌کرد نشانه کمال‌گرایی او در همه زمینه‌ها بود. با ابزار فرسوده آن موقع تیتراژ «سربداران» را ساخت که هنوز در ذهن ما هست. این کار جرات می‌خواست و این نشان از کمال گرایی او داشت.